

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

١٠٥/٥٥



دانشگاه قم

تربیت مدرس

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی مدرس‌ی الهیات و معارف اسلامی

موضوع

واقع‌گرایی در اخلاق

استاد راهنما

حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر حمید شهریاری

استاد مشاور

جناب آقای دکتر محسن جوادی

۱۳۸۷ / ۱ / ۲۷

نگارش: علی تقی‌خاکی

۱۰۵۱۵۵



مرکز تربیت مدرس

مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران

تقدیم به

پدر و مادر عزیزم

تقدیر و تشکر

بر خود لازم می‌دانم از زحمات استاد محترم جناب آقای دکتر شهریاری قدردانی نمایم، همچنین از استاد معظم جناب آقای دکتر جوادی که همواره از الطاف ایشان، در دوره‌ی تحصیل و در به‌سامان رسیدن این تحقیق، بهره‌مند بوده‌ام کمال تشکر را دارم.

« واقع‌گرایی در اخلاق » نظریه‌ای است که قائل است: « حقایق و ارزش‌های اخلاقی، وجودی واقعی در جهان دارند و برخاسته از باورها، احساسات و عواطف ما نمی‌باشند بلکه اموری مستقل از ما می‌باشند و گزاره‌هایی که بیان‌گر حقایق و ارزش‌های اخلاقی هستند صدق و کذب‌پذیرند. » این نظریه از دیرباز مورد بحث و بررسی متفکران بسیاری قرار گرفته‌است و همواره نقش مهمی را در اندیشه‌ی بشری ایفا نموده‌است و عده‌ای را به جانبداری از واقع‌گرایی و گروهی دیگر را به مخالفت با آن برانگیخته‌است. در بین واقع‌گرایان نیز در چگونگی وجود حقایق و ارزش‌های اخلاقی، اختلاف می‌باشد و نظریات مختلفی در این باب ارائه شده‌است.

ما در این نوشتار سعی کرده‌ایم ابتداءً برای روشن شدن موضوع بحث، مراد از واقع‌گرایی و ویژگی‌های آن و همچنین ویژگی‌های غیرواقع‌گرایی را بیان کنیم و مشخص نماییم که مفاهیم و گزاره‌های اخلاقی چه خصوصیتی دارند و سپس به نقد و بررسی اشکالاتی که به هر یک از این دو نظریه وارد شده‌است و پاسخ‌هایی که از آن‌ها داده شده‌نشسته‌ایم. در فصل دوم مهمترین و تأثیرگذارترین مکاتب اخلاقی واقع‌گرا که هر کدام به‌نحوی خاص درصدد تبیین حقایق اخلاقی برآمده‌اند بیان شده‌اند و دیدگاه هر یک مستقلاً بررسی شده‌است. و در فصل پایانی این تحقیق دیدگاه‌های واقع‌گرایانه‌ی دانشمندان مسلمان معاصر به‌تفصیل مورد بررسی و کاوش قرار گرفته‌است.

مقدمه

ماهیت « Ethics » یا فلسفه‌ی اخلاق

فصل اول: کلیات

۵	تعریف واقع‌گرایی اخلاقی و ویژگی‌های آن
۷	مفاهیم و جملات اخلاقی
۷	انواع معقولات
۹	موضوع در جملات اخلاقی
۱۰	محمول در جملات اخلاقی
۱۱	معیار معنای اخلاقی
۱۱	نظریه‌ی آقای مصباح یزدی
۱۳	نقد و بررسی
۱۴	بیان معیار صحیح
۱۵	معنای گزاره‌های اخلاقی
۱۵	ویژگی‌های غیرشناخت‌گرایی
۱۵	سرچشمه‌ی ارزش‌ها در وجود خود ماست
۱۶	ارتباطی عمیق بین احساسات و عقاید اخلاقی
۱۷	جایگزینی مفهوم نگرش (Attitude) به جای مفهوم باور
۱۸	قضایای اخلاقی گزاره نمی‌باشند
۱۹	انکار تحصیل نتیجه‌ی ارزشی از مقدمات واقعی
۲۰	انکار صدق اخلاقی
۲۱	تأکید بر آزادی اخلاقی
۲۳	اشکالات واقع‌گرایی
۲۳	اشکال اول: ناتوانی واقع‌گرایی از تبیین ارتباط بین عقیده‌ی اخلاقی و عمل
۲۳	نظریه‌ی « باور-میل »
۲۴	انگیزه‌ی اخلاقی
۲۴	رویکرد درون‌گرایانه
۲۴	رویکرد برون‌گرایانه
۲۶	باورها به لحاظ ایجاد انگیزه بی‌اثر هستند
۲۷	پاسخ واقع‌گرایان
۲۸	تفسیری شناخت‌گرایانه از میل

- ۲۸ آگاهی از استلزامی اخلاقی یعنی « درک وضعیت به عنوان چیزی که پاسخ می‌طلبد. »
 ۲۹ خود « میل » چگونه تبیین می‌شود؟
 ۲۹ امیال معقول و امیال نامعقول
 ۳۰ اهمیت نحوه‌ی درک فاعل
 ۳۱ اشکال دوم: اختلاف جوامع و فرهنگ‌ها، دلیل نفی واقع‌گرایی در اخلاق می‌باشد.
 ۳۲ شاکله‌های مفهومی قیاس ناپذیر
 ۳۲ تعریف قیاس ناپذیری
 ۳۳ شاکله‌های اخلاقی دو جهان اجتماعی مختلف را توصیف می‌کنند.
 ۳۴ پاسخ واقع‌گرایان
 ۳۴ وجود اختلاف و دیدگاه‌های متعارض دلیل بر این نیست که حقیقتی وجود ندارد.
 ۳۴ امکان ارزیابی باورهای سایر فرهنگ‌ها
 ۳۴ حساسیت زیبایی‌شناختی
 ۳۷ موارد اختلاف، اغلب اختلاف در مصادیق است.
 ۳۸ اشکال سوم: اشکال پدیدارشناسانه
 ۳۸ حقایق اخلاقی چگونه موجودند و حال آنکه در خارج هیچ‌ما به ازائی ندارند؟!
 ۳۹ پاسخ اشکال
 ۳۹ مفاهیم اخلاقی « معقولات ثانی فلسفی » هستند.
 ۳۹ اشکال چهارم: واقع‌گرایی سبب « جزم اندیشی » می‌گردد.
 ۴۰ پاسخ اشکال
 ۴۰ ترجیح نگرش تساهلی بر غیرتساهلی با آزادی اخلاقی ناسازگار است
 ۴۰ تساهل نمی‌تواند بی‌نهایت باشد.
 ۴۱ اشکالات غیرواقع‌گرایی
 ۴۱ اشکال اول: ناتوانی غیرشناخت‌گرایی از حل تعارض موجود بین نظریات اخلاقی
 ۴۱ پاسخ غیرواقع‌گرایان
 ۴۲ نظریه‌ی سازگاری درونی
 ۴۲ اشکال: نظام‌های اخلاقی بسیاری درون سازگارند اما با یکدیگر ناسازگارند.
 ۴۳ نظریه‌ی ناظر آرمانی
 ۴۶ اشکال دوم: غیر واقع‌گرایی بر خلاف وجدان و تجربه‌ای است که ما از جهان داریم.
 ۴۸ اشکال سوم: غیرواقع‌گرایی سبب از بین رفتن معنای زندگی و پوچ‌گرایی می‌شود.

فصل دوم: مکاتب اخلاقی واقع‌گرا

۵۱	تعریف شهودگرایی
۵۲	مور و فلسفه‌ی اخلاق
۵۲	دو سؤال اصلی مور
۵۳	تعریف خوبی
۵۳	معانی خوب
۵۴	مراد از تعریف چیست؟
۵۵	بیان تعریف ناپذیری «خوب»
۵۷	مغالطه‌ی طبیعت گرایانه
۵۷	معانی سه‌گانه‌ی مغالطه‌ی طبیعت گرایانه
۶۱	مراد مور از مغالطه‌ی طبیعت گرایانه
۶۲	استدلال مور بر تعریف ناپذیری «خوب»
۶۲	استدلال به سؤال گشوده
۶۴	بررسی آرای مور درباره‌ی «خوب»
۶۴	عدم کارایی دلیل مور در مورد مسایل واقعی
۶۶	خصوصیت مقام تعریف، وجود تغایر بین موضوع و محمول است.
۶۶	تعریف به لوازم امری ممکن و شایع است.
۶۶	بیان «ملاک و معیار خوب» هدف اساسی می‌باشد نه تعریف.
۶۷	ناتوانی شهودگرایی از حل اختلافات
۶۷	الزامات اخلاقی از دیدگاه مور
۶۸	نظریه‌ی «سودگرایی آرمانی»
۶۸	ایجاد بیشترین مقدار خیر ممکن
۶۸	«باید»ها از سنخ «هست»ها می‌باشند.
۶۹	راه شناخت وظیفه
۶۹	مرجعیت عرف عام
۷۰	بررسی آرای مور در باب الزام
۷۱	استدلال مور در باب تحلیل ناپذیری خوب در بایدها نیز جاری است.
۷۱	ناتوانی از توجیه مسئله‌ی «انگیزه‌ی اخلاقی»
۷۲	تعارض داخلی در نظریه‌ی مور
	سودگرایی
۷۳	تعریف سودگرایی
۷۴	انواع سودگرایی

۷۴	سودگرایی عمل‌نگر
۷۵	سودگرایی عام
۷۶	سودگرایی قاعده‌نگر
۷۷	سودگرایی بن‌تمام
۷۷	« لذت » و « الم »
۷۸	ملاک درستی و نادرستی اعمال انسان، لذت است.
۷۹	اصل سود
۷۹	اهمیت خوشی افراد اجتماع
۷۹	اصالت لذت فرد
۸۰	دلیل سودگرایی
۸۱	محاسبه‌ی سود
۸۱	عوامل هفت‌گانه
۸۳	توجه بن‌تمام به عوامل کمی و عددی
۸۳	سودگرایی میل
۸۳	اصلاح سودگرایی بن‌تمام
۸۴	اصل سود
۸۴	استدلال بر اصل سود
۸۵	خواستن دلیل مطلوبیت است.
۸۵	اصالت دادن به سود جامعه
۸۶	توجه به عامل کیفی
۸۸	ناسازگاری عامل کیفی با سودگرایی
۸۸	نقد و بررسی سودگرایی
۸۹	جهش از سود فردی به سود جامعه
۹۰	نقض اصول اخلاقی معتبر
۹۲	ناتوانی از توجیه اصول اخلاقی
۹۴	استنتاج باید از هست
۹۵	نادیده گرفتن لذت‌های اخروی
۹۶	گسترش سودگرایی
۹۷	فلسفه‌ی اخلاق ارسطو
۹۷	سعادت‌گرایی
۹۸	ویژگی‌های سعادت

۹۹	انواع زندگی
۱۰۰	معنای فضیلت
۱۰۱	معنای سعادت
۱۰۲	عقل نظری و عقل عملی
۱۰۲	حد وسط
۱۰۴	سعادت و خیرات بیرونی
۱۰۴	نقد و بررسی
۱۰۴	برخی چیزها حد افراط و تفریط ندارند.
۱۰۴	افراط در برخی امور مطلوب است.
۱۰۵	پاسخ از دو اشکال سابق
۱۰۵	عدم کارایی معیار حد وسط
۱۰۶	عدم توجه به حیات ابدی و فضایل دینی
۱۰۷	حسن و قبح عقلی
۱۰۷	پیدایش مسئله‌ی حسن و قبح عقلی
۱۰۸	حسن و قبح ذاتی
۱۰۸	حسن و قبح عقلی
۱۰۹	معانی حسن و قبح
۱۰۹	کمال و نقص
۱۰۹	سازگاری و ناسازگاری با طبع
۱۱۰	سازگاری و ناسازگاری با اغراض و مصالح
۱۱۰	ستایش و نکوهش (مدح و ذم)
۱۱۲	وجه حسن و قبح در افعال حسن و قبیح
۱۱۳	باید، نباید و واجب
۱۱۴	انگیزه‌ی اخلاقی
۱۱۴	دلایل حسن و قبح عقلی
۱۱۵	حسن و قبح عقلی از بدیهیات می‌باشند.
۱۱۶	دو اشکال منکران حسن و قبح و پاسخ از آن
۱۱۷	انکار حسن و قبح عقلی سبب انکار حسن و قبح شرعی است.
۱۱۸	استناد به آیات قرآن
۱۱۸	دلایل نفی حسن و قبح عقلی

۱۱۸	۱. حسن و قبح عقلی با مالکیت مطلق خداوند تنافی دارد.
۱۱۹	بررسی استدلال
۱۱۹	خلط بین دو مسئله
۱۱۹	حسن و قبح عقلی ، تعیین وظیفه برای شارع نمی باشد
۱۲۰	۲. نقض حسن و قبح عقلی
۱۲۰	بررسی استدلال
۱۲۱	قضایای مشهوره و یقینیات

فصل سوم : نظریات جدید

۱۲۳	ارزش های اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری
۱۲۳	من سفلی
۱۲۴	من علوی
۱۲۴	استدلال بر اصالت من علوی
۱۲۶	چگونگی نیل من علوی به ارزش های اخلاقی
۱۲۷	نظریه ی پرستش
۱۲۷	شعور ظاهر و شعور ناخودآگاه
۱۲۷	مراد از پرستش چیست؟
۱۲۸	انواع قوانین الهی
۱۲۹	نظریه ی پرستش و وجدان گرایی
۱۳۰	خلاصه ی نظریه ی شهید مطهری
۱۳۱	باید و نباید از دیدگاه شهید مطهری
۱۳۱	حسن و قبح عقلی از دیدگاه شهید مطهری
۱۳۳	اشکال به نظریه ی شهید مطهری و پاسخ از آن
۱۳۴	ارزش های اخلاقی از دیدگاه آیت الله مصباح یزدی
۱۳۴	خوب و بد
۱۳۴	نحوه ی وجود خوبی و بدی
۱۳۵	باید و نباید
۱۳۵	اقسام ضرورت
۱۳۶	ملاک ضرورت بالقیاس و ضرورت بالغير
۱۳۶	باید و ضرورت احکام اخلاقی « ضرورت بالقیاس » است.
۱۳۸	نقد و بررسی

۱۳۸	نقض به غایات اخلاقی
۱۳۸	خلط بین دو نوع « ضرورت »
۱۳۸	آگاهی از ارزش‌های اخلاقی
۱۳۹	اهمیت شرع
۱۳۹	رابطه‌ی کمال و سعادت
۱۴۱	ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه دکتر مهدی حائری یزدی
۱۴۱	باید و نباید
۱۴۱	بایدهای اخلاقی بیان‌گر نوعی « ضرورت بالغیر » می‌باشند.
۱۴۱	ویژگی سه مفهوم واجب، ممتنع و ممکن
۱۴۲	هستی‌های مقذور و غیر مقذور
۱۴۲	وجود نفس الامری و وجود خارجی هستی‌های مقذور
۱۴۳	وجوب سابق و لاحق
۱۴۴	مراد از ضرورت و باید اخلاقی، وجوب سابق است.
۱۴۵	مراد از عقلانی و ارادی بودن فعل اخلاقی
۱۴۷	باید و ضرورت اخلاقی، همان « ضرورت در ایجاد » است.
۱۴۷	بررسی اشکالات
۱۴۷	۱. ضرورت بالغیر از وجود انفکاک ندارد.
۱۴۸	پاسخ اشکال
۱۴۹	۲. ضرورت بالغیر در مورد جمیع ممکنات به کار می‌رود و اختصاص به افعال ندارد.
۱۴۹	پاسخ اشکال
۱۴۹	مفهوم « باید » و مفهوم « ضرورت » دو مفهوم کاملاً متفاوت هستند.
۱۵۰	پاسخ اشکال
۱۵۰	«باید» به معنای ضرورت بالغیر، در مورد غایات اخلاقی معنا ندارد.
۱۵۰	پاسخ اشکال
۱۵۱	ضرورت بالقیاس احکام اخلاقی
۱۵۱	خوب و بد
۱۵۲	دو گزاره‌ی اساسی اخلاق

مقدمه

ماهیت « Ethics » یا فلسفه‌ی اخلاق

مباحث نظری و مسائلی فلسفی مربوط به اخلاق را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد^۱:

۱. اخلاق توصیفی (Descriptive ethics):

بررسی و شناخت قواعد و نظریات اخلاقی که در میان جامعه‌ای خاص یا همه‌ی انسانها رواج دارد و بررسی پیامدها و آثار و نتایجی که این نظریات یا افعال اخلاقی در پی دارند. مطالعات در این حوزه صرفاً تجربی و یا تاریخی هستند و از سنخ تحقیقاتی می‌باشند که انسان‌شناسان، تاریخ‌دانان، روان‌شناسان و جامعه‌شناسان انجام می‌دهند بنابراین گزاره‌هایی که در آن مطرح می‌شوند در بردارنده‌ی هیچ حکم اخلاقی‌ای نمی‌باشند.

البته چون معمولاً پس از تحقیقات تاریخی و تجربی به تحلیل و تفسیر آن می‌پردازند و به دنبال آن هستند که به نظریه‌ای درباره‌ی سرشت اخلاقی انسان دست یابند، می‌توان گفت که اخلاق توصیفی نیز به نوعی صبغه‌ی نظری و فلسفی پیدا می‌کند.^۲ و این نکته روشن است که این تحلیل‌ها دیگر اخلاق توصیفی نیستند.

۲. اخلاق دستوری یا هنجاری (normative ethics):

مجموعه‌ای از مباحث در اخلاق که جنبه‌ی مصداقی و عینی دارند در اخلاق هنجاری مورد بحث قرار می‌گیرند. موضوع اخلاق دستوری، فعل اختیاری انسان می‌باشد که از حیث خوب یا بد بودن، مطلوب یا نامطلوب بودن و صواب یا ناصواب بودن مورد بررسی قرار می‌گیرد و مشخص می‌گردد که چه اعمالی باید یا نباید انجام گیرد؛ بعنوان مثال:

«راستگویی خوب است» یا «باید راست گفت» گزاره‌هایی هستند که در اخلاق دستوری مورد بحث قرار می‌گیرند.

۱. ویلیام کی. فرانکنا، فلسفه‌ی اخلاق، هادی صادقی، ص ۲۵.

۲. استیون داروال و ...، نگاهی به فلسفه‌ی اخلاق در قرن بیستم، مصطفی ملکیان، ص ۱۳.

از جهتی دیگر اخلاق هنجاری به دنبال آن است که ملاک احکام اخلاقی‌ای را که در گزاره‌های فوق ذکر کردیم، تبیین نماید یعنی به چه دلیل مثلاً راستگویی خوب است یا باید راست گفت. بیان ملاک درستی این احکام در قالبی عام و فراگیر بر عهده‌ی این رشته از اخلاق می‌باشد.

به‌عنوان مثال خوبی راستگویی به دلیل این است که راستگویی وظیفه است یا آن که چون غایتی خاص را حاصل می‌کند خوب است و یا این که چون حق است و یا در بردارنده‌ی فضیلت است خوب است، این گرایش‌ها هر کدام به دیدگاهی خاص در فلسفه‌ی اخلاق چون وظیفه‌گرایی، غایت‌گرایی، حق‌محوری و فضیلت‌مداری انجامیده است.

با توجه به آن چه گذشت پاسخ این سؤال که «با توجه به این که هم در اخلاق توصیفی و هم در اخلاق دستوری نظر به مصداق خارجی و افعال انسانی می‌باشد، چه تفاوتی بین گزاره‌های این دو می‌باشد؟» روشن می‌گردد، پاسخ این است که در اخلاق دستوری ما نظر به نفس الأمر و واقع اعمال اخلاقی داریم - بدون توجه به اینکه کسی آن‌ها را پذیرفته است یا نپذیرفته - و لکن در اخلاق توصیفی این باور اشخاص است که مورد توجه قرار می‌گیرد، در گزاره‌ای مانند «راستگویی خوب است» یا «کشتن انسان‌ها بد است» نظر به نفس الأمر و واقع خوبی راستگویی یا بدی کشتن می‌باشد خواه کسی به آن معتقد باشد یا نباشد اما در گزاره‌ای مانند «کشتن انسان‌ها از دیدگاه نازیسم خوب است» نظر به باور و عقیده‌ی گروهی خاص در مورد خوبی کشتن انسان‌ها داریم که تنها با تحقیقی تجربی و تاریخی قابل اثبات می‌باشد.

بنابر آن چه در مورد اخلاق هنجاری گفتیم، حیطه‌ی این حوزه از اخلاق دو جا می‌باشد:

الف. ارائه‌ی نظریه‌ای اخلاقی درباره‌ی فعلی خاص.

ب. بیان ملاک حکم اخلاقی در نظریه‌ی اخلاقی مذکور.

۳. فرا اخلاق یا اخلاق تحلیلی (analytic ethics - meta ethics):

فرا اخلاق را به «بررسی عقلانی ماهیت، معقولیت و منزلت احکام کلی اخلاقی»^۱ تعریف کرده‌اند. فرا اخلاق مشتمل بر تحقیقات و نظریات تجربی یا تاریخی و یا بررسی احکام ارزشی و

۱. محسن جوادی، مسأله‌ی باید و هست، ص ۱۷.

دفاع از آن‌ها نمی‌باشد، فرا اخلاق نمی‌خواهد به سئوالات عام یا خاص درباره‌ی آن چه خوب یا درست یا الزامی می‌باشد پاسخ می‌دهد بلکه فرا اخلاق در چهار حوزه‌ی اصلی سئوالاتی را مطرح می‌کند و می‌کوشد به آن‌ها پاسخ دهد:

۱. هستی‌شناسی حقایق اخلاقی:

آیا حقایق اخلاقی در عالم خارج وجود دارند و در صورت تحقق در خارج، نحوه‌ی تحقق آن‌ها چگونه است؟

۲. معنا شناسی الفاظ و مفاهیم اخلاقی^۱:

مفاهیم ارزشی همانند «خوب و بد» یا مفاهیم الزامی همانند «باید، نباید و وظیفه» هنگامی که در قلمرو اخلاق به کار می‌روند به چه معنا می‌باشند؟ و هر یک از این معانی چه ربط و نسبتی با معنای غیر اخلاقی آن واژه یا معانی اخلاقی سایر واژه‌ها دارد؟ و ملاک کاربرد این واژه‌ها چه می‌باشد؟

۳. مسائل منطقی اخلاق^۲:

به تحلیل گزاره‌های حاوی الفاظ و مفاهیم اخلاقی می‌پردازد که از چه نوع هستند آیا همه توصیفی‌اند^۳ یا این که همه توصیفی‌اند^۴ و یا این که متفاوت هستند؟ گزاره‌های اخلاقی چه نسبتی با یکدیگر و چه نسبتی با گزاره‌های اخلاقی دارند؟

۴. معرفت‌شناسی اخلاقی^۵:

به طرح مباحث معرفت‌شناختی پیرامون گزاره‌های اخلاقی می‌پردازد، آیا حقایق اخلاقی واقعا وجود دارند و لذا می‌توان گزاره‌های اخلاقی را به صدق و کذب متصف کرد؟ آیا می‌توان استدلالی برای حکم اخلاقی آورد یا آن‌را موجه کرد؟ از چه طریقی می‌توان به معرفت اخلاقی نایل شد و با چه ابزاری می‌توان آن‌را درک کرد؟

-
1. Semantical questions .
 2. Logical questions.
 3. Descriptive.
 4. Prescriptive.
 5. Epistemological Questions.

بحث از « واقع گرایی » به جهت این که ما از اصل وجود حقایق اخلاقی و کیفیت وجود آنها بحث می کنیم و همچنین به این می پردازیم که اگر حقایق اخلاقی وجود دارند ما چگونه به آنها نیل پیدا می کنیم و این که ملاک و معیار ما برای صدور حکم اخلاقی چه می باشد ، در حیطه ی مباحث فرا اخلاق جای می گیرد .

فصل اول

کلیات

تعریف واقع‌گرایی
مفاهیم و جملات اخلاقی
ویژگی‌های غیرواقع‌گرایی
اشکالات واقع‌گرایی
اشکالات غیرواقع‌گرایی

تعریف واقع‌گرایی اخلاقی^۱ :

دیوید مک‌ناوتن «واقع‌گرایی اخلاقی» را چنین معنا می‌کند :

«دیدگاهی که اصرار می‌ورزد که واقعیت اخلاقی، به طور مستقل از باورهای اخلاقی ما وجود دارد و تعیین می‌کند که آن باورها صادق‌اند یا کاذب. این دیدگاه قائل است که صفات اخلاقی صفات اصیل و حقیقی چیزها یا کارها هستند؛ به تعبیر مجازی این صفات جزء اثاثیه و اجزای عالمند. ممکن است ما نسبت به برخی صفات اخلاقی حساس باشیم یا حساس نباشیم، اما وجود و عدم آن صفات، بستگی به این ندارد که ما چه فکر می‌کنیم.»^۲

و در جای دیگر می‌گوید :

«از دید واقع‌گرایان عقیده‌ی اخلاقی باوری است مانند هر باور دیگر که نحوه‌ی وجود چیزها در جهان صدق و کذب آن‌را معین می‌سازد و در نتیجه مسائل اخلاقی به اندازه‌ی مسائل دیگر، مربوط به واقع‌اند. واقع‌گرایان با انکار تفکیک بین واقعیت و ارزش تمایزهای دیگری را نیز که از این اختلاف ناشی می‌شود رد می‌کنند مانند تمایز بین نگرش و باور یا تمایز بین معنای توصیفی و معنای ارزشی.»^۳

جاناتان دنسی در تعریف «واقع‌گرایی اخلاقی» می‌گوید :

«واقع‌گرایی اخلاقی دیدگاهی است که قائل است حقایقی در مورد این‌که چه کارهایی درست و چه کارهایی نادرست می‌باشد و چه چیزهایی خوب و چه چیزهایی بد می‌باشد، وجود دارد. البته در ورای این عبارت ساده، پیچیدگی‌های بسیاری وجود دارد. اگر کسی یک واقع‌گرای تمام‌عیار باشد احتمالاً باید سه ادعای زیر را بپذیرد :

۱. حقایق اخلاقی به نوعی حقایقی ویژه هستند و متفاوت از دیگر حقایق عالم می‌باشند.
- البته تفاوت واقع‌گرایانه که در ویژگی خاص حقایق اخلاقی وجود دارد با این حقیقت سازگار است که می‌توان برخی واقعیات طبیعی را به‌عنوان حقایق اخلاقی گرفت. به عنوان مثال این واقعیت طبیعی که «اگر ما این کار را انجام بدهیم به کسی که نیاز به کمک داشته، یاری رسانده‌ایم» می‌تواند

1. Moral realism.

۲. دیوید مک‌ناوتن، بصیرت اخلاقی، محمود فتحعلی، ص ۲۵.

۳. همان، ص ۷۵.

چهره‌ی واقعیتی اخلاقی به خود بگیرد و به این صورت بیان شود: «ما باید این کار را انجام دهیم».

۲. حقایق اخلاقی مستقل از عقاید و باورهایی که در مورد آن‌ها داریم وجود دارند.

درستی یک عمل ناشی از این نیست که من یا هرکس دیگری آن را درست بداند، حتی برآمده از این نمی‌باشد که همه‌ی ما فکر می‌کنیم آن عمل درست است؛ حتی اگر در این زمینه اتفاق نظر داشته باشیم. با توافق در مورد درستی یک عمل نمی‌توان آن را عملی صواب کرد همان‌گونه که با توافق در مورد این که بمب بی‌خطر است، بمب بی‌خطر نخواهد شد.

۳. کاملاً ممکن است که هر یک از ما در مورد این که چه چیز درست و چه چیز نادرست می‌باشد اشتباه نماید.

ما هر قدر هم در مورد آن چه باید انجام بدهیم دقت و تعمق به خرج دهیم باز هم هیچ تضمینی وجود ندارد که به پاسخ درست برسیم. بنابراین در مواردی که مردم آگاهانه تصمیم می‌گیرند که باید کاری را انجام دهند، ممکن است واقعا عملی که باید انجام دهند نباشد.

در تعریفی دیگر از «واقع‌گرایی اخلاقی» چنین آمده است:

«واقع‌گرایی اخلاقی مدعی است که حقایق اخلاقی و به تبع آن اوصافی نظیر خوب، بد، درست، نادرست، فضیلت و رذیلت به حقایق یا اوصاف غیر اخلاقی تحویل‌پذیر نیستند، در عالم وجود دارد. بر اساس این نظریه، این حقایق و اوصاف از آگاهی ما، از حالتی که در آن حالت می‌اندیشیم و صحبت می‌کنیم، از باورها و گرایش‌های ما و از احساسات و امیال ما مستقل‌اند. اوصاف اخلاقی می‌توانند از طریق اشخاص، اعمال، نهادها و مانند این‌ها تحقق یابند. مثل و تحقق این اوصاف، حقایق اخلاقی هستند که تطابق با آن‌ها سبب صدق احکام اخلاقی می‌شود.»^۲

با توجه به آنچه گذشت به‌طور خلاصه می‌توان گفت که «واقع‌گرایی اخلاقی» نظریه‌ای است که قائل است: «حقایق و ارزش‌های اخلاقی، وجودی واقعی در جهان دارند و برخاسته از باورها، احساسات و عواطف ما نمی‌باشند بلکه اموری مستقل از ما می‌باشند و گزاره‌هایی که بیان‌گر حقایق و ارزش‌های اخلاقی هستند قابلیت صدق و کذب دارند و به عبارت دیگر صدق و کذب‌پذیرند.»

1. Jonatan Dancy; "Moral Realism", *The Routledge Encyclopedia of Philosophy*.

۲. پانایوت بوچورف، واقع‌گرایی اخلاقی، سید اکبر حسینی، معرفت، ش ۴۶، ص ۱۷.